

اول اکتبر ۲۰۰۸

شصت و سومین اجلاس

دستور کار ۶۴ (C)

ترویج و حمایت از حقوق بشر: حقوق بشر
وضعیت ها و گزارش‌های گزارشگران و نمایندگان ویژه

گزارش دبیرکل درباره وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران*

خلاصه

هدف از گزارش حاضر، که پیرو قطعنامه ۶۲/۱۶۸ مجمع عمومی ارائه شده، انعکاس الگوها و روندهای گسترده‌تر درباره وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران بر مبنای تعهدات معاهده‌ای بین‌المللی این کشور و مشاهدات هیات‌های ناظر بر اجرای پیمان‌ها و رویه‌های ویژه شورای حقوق بشر است. در حالی که این گزارش به ویژه بر مسائل تعیین شده در قطعنامه تمرکز می‌کند، شامل بخشی درباره حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز هست تا تصویری از طیف کامل حقوق مدنی فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران ارائه دهد. این گزارش شامل توصیفی کامل از نظام حقوقی و نهادی در جمهوری اسلامی ایران؛ نکات برجسته تحولات مثبت و همچنین کمبودهای حمایتی در حوزه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ مسائل موضوعی در حوزه حقوق مدنی و سیاسی، تعیین شده در قطعنامه مجمع عمومی، به ویژه مسائل مطرح شده به وسیله سازوکارهای بین‌المللی حقوق بشر، رئیس کلی همکاری این کشور با دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای حقوق بشر و ساز و کارهای بین‌المللی حقوق بشر، از جمله در حوزه‌های تصویب معاهدات و ارائه گزارشات و تعاملات با رویه‌های ویژه، مشتمل بر نمایندگی‌های کشوری و نتیجه‌گیری‌ها و گام‌هایی است که ممکن است به وسیله مقامات ایرانی برداشته شود.

* این گزارش پس از موعد مقرر در نتیجه مشورت با کشور عضو ارائه شد.

مندرجات

اول - مقدمه

دوم - چارچوب حقوقی و نهادی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با ترویج و حمایت از حقوق بشر

الف - ساختار حقوقی

ب - ساختار نهادی

سوم - حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

چهارم - حقوق مدنی و سیاسی

الف - شکنجه و رفتار و مجازات بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، از جمله شلاق زدن و قطع عضو

ب - مجازات مرگ و اعدام‌های علنی

ج - سنگسار کردن به عنوان روش اعدام

د - اعدام نوجوانان

هـ - حقوق زنان

و - حقوق اقلیت‌ها

ز - آزادی اجتماعات و تشکیل انجمن‌های مسالمت‌آمیز و آزادی عقیده و بیان

ح - ضعف آیین دادرسی و کوتاهی در رعایت حقوق زندانیان

پنجم - همکاری با دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل برای حقوق بشر و سازوکارهای بین‌المللی حقوق بشر

الف - همکاری با نظام معاهدات حقوق بشر سازمان ملل متحد

ب - همکاری با رویه‌های ویژه

ج - همکاری با دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل برای حقوق بشر

۶ - نتیجه‌گیری‌ها

اول - مقدمه

۱ - گزارش حاضر پیرو قطعنامه ۶۲/۱۶۸ مجمع عمومی، که مجمع در آن از دبیرکل خواست گزارشی جامع درباره وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران در شصت و سومین اجلاس آن تسلیم کند، ارائه شده است.

۲ - هدف از ارائه این گزارش منعکس کردن الگوها و روندهای گسترده‌تر درباره موقعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، براساس تعهدات معاهده‌ای بین‌المللی بوده و شامل مشاهدات هیات‌های ناظر معاهدات و رویه‌های ویژه شورای حقوق بشر می‌شود.^(۱) در حالی که به مسائل مطرح شده در قطعنامه توجه ویژه معطوف شده، این گزارش همچنین حاوی بخشی درباره حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است تا تصویری تمام نما از حقوق مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران ارائه دهد.

دوم - ساختار حقوقی و نهادی جمهوری اسلامی ایران مربوط به ترویج و حمایت از حقوق بشر

الف - ساختار حقوقی

۳ - قانون اساسی سال ۱۹۷۹ جمهوری اسلامی ایران طیفی گسترده از آزادی‌های بنیادی و حقوق بشر را تضمین می‌کند. اما در عمل موانعی جدی بر سر راه حفاظت کامل از حقوق بشر و کارکرد مستقل نهادهای گوناگون کشور وجود دارد.

۴ - قانون اساسی ایران فصلی جامع درباره حقوق مردم شامل حقوق مدنی و سیاسی و همچنین اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد: عدم تبعیض (اصل ۱۹)، برابری در مقابل قانون (اصل ۲۰)، حقوق زنان (اصل ۲۱)، حق برخورداری از منزلت انسانی (اصل ۲۲)، آزادی عقیده (اصل ۲۳)، آزادی مطبوعات (اصل ۲۴)، ممنوعیت استراق سمع، تجسس و سانسور (اصل ۲۵)، آزادی احزاب و جمعیت‌های سیاسی (اصل ۲۶)، آزادی اجتماعات (اصل ۲۷)، حق انتخاب شغل (اصل ۲۸)، برخورداری از تأمین اجتماعی و حقوق رفاهی (اصل ۲۹)، حق برخورداری از آموزش و پرورش (اصل ۳۰)، حق داشتن مسکن (اصل ۳۱)، ممنوعیت بازداشت غیرقانونی (اصل ۳۲)، حق انتخاب محل زندگی (اصل ۳۳)، برخورداری از دادرسی قانونی (اصل ۳۴)، حق تعیین وکیل (اصل ۳۵)، مجازات بر اساس قانون (اصل ۳۶)، اصل برائت (اصل ۳۷)، ممنوعیت شکنجه (اصل ۳۸)، رعایت حقوق اشخاص توقیف و زندانی شده (اصل ۳۹)، ممنوعیت تجاوز به حقوق عمومی برای حفظ حقوق خصوصی (اصل ۴۰)، حق شهروندی (اصل ۴۱) و حق تابعیت (اصل ۴۲).

۵ - دولت در تلاش برای تسهیل تحقق قضایی حقوق بنیادی که در قانون اساسی در نظر گرفته شده و به منظور ارائه ابزار اجرایی جدید به محاکم و دادگاه‌ها قانون تکمیلی درباره «حقوق شهروندان» وضع کرده است. این لایحه به تصویب پارلمان رسید و شورای نگهبان ۴ می ۲۰۰۵ آن را تصویب کرد و ۲۲ می ۲۰۰۸ در روزنامه رسمی کشور منتشر شد و سندیت و قدرت قانونی یافت.

۶ - قانون مجازات عمومی و آیین دادرسی کیفری تضمین آئین نامه های گوناگون را به منظور ضمانت اجرای تشریفات قانونی و محاکمه عادلانه پیش‌بینی کرده است. برای مثال اصل ۱۹۰ آیین دادرسی کیفری ایجاب می‌کند به وکلای مدافع امکان دسترسی کامل به پرونده و مطالعه آن داده شود.

با این حال بعضی از مفاد قانون در حد معیارهای حقوق بشر بین‌المللی نیست. برای مثال ماده ۳۳ آیین دادرسی کیفری اجازه می‌دهد فرد مظنون، بدون اتهام تا یک ماه زندانی شود که می‌توان آن را تمدید کرد.

۷ - گزارش شده بود که طرح تجدیدنظر شده قانون مجازات عمومی در ژانویه ۲۰۰۸، در زمان تهیه گزارش حاضر، در مجلس تحت بررسی است. این قانون اگر تصویب شود دارای مفادی است که با ضوابط حقوق بشر بین‌المللی ناسازگار است. از جمله یک ماده درباره ارتداد که مجازات اعدام را برای گرویدن از اسلام به ادیان دیگر الزامی می‌کند.

ب - ساختار نهادی

۸ - اگرچه قانون اساسی تفکیک و استقلال قوای مجریه و مقننه و قضاییه را پیش‌بینی کرده، محدودیت‌های نهادی چندی در زمینه کارکرد مستقل و توانایی محافظت از حقوق بشر وجود دارد.

۹ - علی‌رغم تفکیک قوا که در ماده ۵۷ قانون اساسی پیش‌بینی شده مقام رهبری جمهوری اسلامی ایران، در حال حاضر آیت‌الله علی خامنه‌ای، بر قوای مجریه، مقننه، قضاییه و سایر موسسات کلیدی نظارت دارد (E/CN.4/2006/61/Add.3 پاراگراف ۱۲). این امر با نظام شوراهای مشورتی که در قانون اساسی پیش‌بینی شده تقویت می‌شود.

شورای نگهبان که از ۶ روحانی منصوب رهبر و ۶ حقوقدان که به وسیله قوه قضائیه نامزد می‌شوند، تشکیل شده است، اگر مصوبات مجلس را مغایر با قانون اساسی و شریعت اسلام تشخیص دهد، قدرت وتو کردن مصوبات مجلس را دارد. مجمع تشخیص مصلحت نظام به عنوان نهادی مشورتی برای رهبر انجام وظیفه می‌کند و در اختلاف درباره قانون گذاری بین مجلس و شورای نگهبان حق اظهار نظر نهایی دارد. مجلس خبرگان متشکل از روحانیون منتخب که از طریق انتخابات عمومی برگزیده شده‌اند، اختیار نصب و عزل رهبر را دارد.

۱۰ - رهبر رئیس قوه قضائیه را منصوب می‌کند که او نیز به نوبه خود رئیس دیوان عالی و دادستان کل کشور را انتخاب می‌کند. قوه قضائیه ایران سه رده دارد: دادگاه‌های مدنی و کیفری عادی که تحت نظارت دادگاه‌های استان (استیناف) قرار دارند که آنها نیز تحت نظر دیوان عالی هستند. دادگاه‌های تخصصی نیز در سطوح مختلف فعالیت می‌کنند مثل دیوان عدالت اداری، دادگاه‌های خانواده و دادگاه‌های نوجوانان. دادگاه‌های ویژه عمومی و انقلاب نیز وجود دارند که به بعضی از جرائم خاص از جمله جرائم علیه امنیت ملی و قاچاق مواد مخدر رسیدگی می‌کنند. از احکام دادگاه‌های انقلاب به استثنای موارد محکومیت‌های کمتر از ۳ ماه زندان و جرائم نقدی کمتر از ۵۰۰ هزار ریال، می‌توان فرجام‌خواهی کرد. دادگاه‌های ویژه به پرونده‌های مربوط به نظامیان و روحانیان رسیدگی می‌کنند. «گروه کاری مربوط به بازداشت خودسرانه» در جریان دیدار سال ۲۰۰۳ خود درباره تاثیر چنین دادگاه‌هایی بر اصل برابری در مقابل قانون ابراز نگرانی کرد. گروه کاری درخواست کرد وظایف این دادگاه‌ها به دادگاه‌های عادی محول شود.

۱۱ - گروه کاری همچنین اشاره کرد حذف دادپارها (تعطیلی دادرها) بین ۱۹۹۵ و ۲۰۰۲ یکی از مشکلات اصلی نظام دادگستری بود (E/CN.4/2004/3/Add.2 and Corr.1). دادپارها در سال ۲۰۰۲ بار دیگر به کار گرفته شدند. اگرچه آنان از نظر کاری بخشی از قوه قضائیه تحت سرپرستی رئیس این قوه هستند و نقشی کاملاً مستقل ایفا نمی‌کنند.

۱۲ - مشکل نهادی دیگری که در بخش چهارم در زیر به آن اشاره شده اجرای دستورالعمل‌های صادره به وسیله رئیس قوه قضائیه است. برای مثال ممنوعیت سنگسار و اعدام‌های علنی. مسئولان قضایی ایران به دفتر کمیساری عالی سازمان ملل برای حقوق بشر اعلام کرده‌اند این بخشنامه‌ها تدابیری موقتی تا تصویب قوانین جدید هستند. آنان همچنین به دفتر کمیساری اطلاع دادند که اینک «نهادهای نظارتی» در سطوح پایین‌تر قوه قضائیه، به ویژه در مناطق فعالند تا تداوم و انسجام بیشتر در اجرای چنین قوانینی را تضمین کنند.

۱۳ - چند ساز و کار نهادی دیگر وجود دارد که فرصت‌هایی برای شهروندان فراهم می‌سازند تا خواهان جبران و تصحیح شوند. اصل ۱۷۴ قانون اساسی تشکیل «سازمان بازرسی کل کشور» را تحت نظارت رئیس قوه قضائیه پیش‌بینی کرده که بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین به وسیله دستگاه‌های اداری دولت نظارت می‌کند. این سازمان به شکایات فردی رسیدگی می‌کند و تا حدی شبیه نظام بازرسی ویژه (در غرب) است. براساس اصل ۹۰ قانون اساسی، مجلس همچنین می‌تواند درباره شکایات کتبی مردم از عملکرد خود و قوه‌های قضائیه و مجریه رسیدگی و تحقیق کند. علاوه بر این، نهادهای شبه‌قضایی، از جمله شوراهای داوری و حل اختلاف که به حجم بزرگی از پرونده‌های با ماهیت غیرقضایی یا دارای پیچیدگی کمتر رسیدگی و مشارکت مردم را در این امور و مساعدت آنان را بیشتر می‌کنند. از این گذشته کمیسیون حقوق بشر اسلامی که در سال ۱۹۹۶ تشکیل شد، نهادی مشورتی متشکل از نمایندگان از دولت و قوه قضائیه است که بر وضعیت حقوق بشر در کشور نظارت می‌کند. این کمیسیون از طرف «کمیته بین‌المللی هماهنگ کننده نهادهای حقوق بشر ملی» به عنوان رعایت و پیروی از اصول مربوط به موقعیت نهادهای ملی برای ترویج و حمایت از حقوق بشر (اصول پاریس) به رسمیت شناخته نشده است. به علاوه، جمهوری اسلامی ایران، يك اداره کل حقوق بشر تاسیس کرده تا همکاری بین‌المللی را تسهیل و (فعالیت) نهادهای دولتی را در مسائل مربوط به حقوق بشر هماهنگ کند.

سوم - حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

۱۴ - جمهوری اسلامی ایران در طول دهه گذشته یا بیشتر، در حوزه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیشرفت‌هایی کرده است. اگرچه تفاوت‌های چشمگیری بین مراکز شهری و مناطق کمتر توسعه یافته وجود دارد. از انقلاب ۱۹۷۹، دولت سیاست‌های اجتماعی - اقتصادی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی را دنبال کرده که توجه بسیاری بر توزیع مجدد ثروت و کاهش فقر دارد.

۱۵ - اگرچه جمهوری اسلامی ایران طرف (عضو) میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، از سال ۱۹۹۲ درباره حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به این کمیته گزارش نداده است. این کمیته درباره رفتار با اقلیت‌ها، تبعیض بین مردان و زنان و قوانین و سیاستگذاری‌ها درباره آزادی فرهنگی ابراز نگرانی کرد (E/C.12/1993/7).

۱۶ - مطابق گزارش توسعه انسانی برنامه عمران سازمان ملل متحد برای ۲۰۰۸ - ۲۰۰۷، شاخص توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران از ۰/۶۴۹ در سال ۱۹۹۱ به ۰/۷۵۹ در سال ۲۰۰۵ افزایش یافت. این امر عمدتاً ناشی از افزایش درآمد سرانه و اختصاص سهم زیادی از بودجه به فعالیت‌های اجتماعی بود. بررسی عملکرد کشور در تامین هدف‌های توسعه هزاره نشان داد درصد مردمی که با کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند از ۰/۹ درصد در سال ۱۹۹۹ به ۰/۲ درصد در سال ۲۰۰۵ و درصد کسانی که با کمتر از ۲ دلار در روز زندگی می‌کنند نیز از ۷/۲ درصد در سال ۱۹۹۹ به ۲/۱ درصد در سال ۲۰۰۵ کاهش یافت. این تغییرات ظاهراً در سال‌های اخیر به علت افزایش فراوان تورم و قیمت کالاهای مصرفی کندتر شده، اما این دو عامل با حمایت دولت تا حدی خنثی شده است. نسبت کودکان کم‌وزن از ۱۵/۸ درصد در سال ۱۹۹۱ به ۵ درصد در ۲۰۰۴ کاهش یافت.

۱۷ - جمهوری اسلامی ایران نتایج کاملاً بهتری در بخش آموزش و پرورش نیز نشان داده است، در حالی که چالش‌ها شامل افزایش چشمگیر در تعداد کودکان سن مدرسه و کمبود امکانات در نواحی روستایی است. نسبت ثبت‌نام در آموزش ابتدایی با افزایش مداوم از ۸۵ درصد در ۱۹۹۰ به ۹۸ درصد در ۲۰۰۵ رسید. در همین دوره نسبت ترک‌تحصیل در دوره ابتدایی از ۱۲ درصد به ۶/۶ درصد کاهش یافت. نسبت باسوادی بین مردان و زنان ۱۵ تا ۲۴ ساله نیز افزایش یافت و به تدریج برابر شد و از ۹۲/۲ درصد و ۸۱/۱ درصد به ترتیب در ۱۹۹۰ به ۹۸/۱ درصد و ۹۶/۷ درصد در ۲۰۰۵ رسید.

۱۸ - براساس آمار فوق‌اشغال، چالشی مهم برای دولت با حدود ۸۰۰ هزار تقاضای شغل برای نسل جوان در سال است. بیکاری بین زنان به ویژه زیاد است و با افزایش تحصیلات دانشگاهی برای دختران از ۲۶/۸ درصد در ۱۹۹۶ به ۴۰/۶ درصد در ۲۰۰۱ رسید.

۱۹ - در حوزه بهداشت، گسترش مراکز و تسهیلات بهداشتی، به ویژه برای مراقبت‌های بهداشتی اولیه، منجر به بهبود چشمگیر در امید به زندگی شده که از ۶۴/۸ درصد برای مردان و ۶۵/۸ درصد برای زنان در ۱۹۹۱ به ۷۰/۵ درصد و ۷۲/۸ درصد به ترتیب در سال ۲۰۰۴ افزایش یافت. نسبت مرگ و میر کودکان کمتر از ۵ ساله نیز از ۴۴ در هر هزار مورد تولد در ۱۹۹۱ به ۳۶ در هزار مورد تولد در ۲۰۰۱ کاهش یافت. مرگ و میر زنان حامله به علت عوارض زایمان نیز کمتر شد و از ۵۴ به ۳۷ مورد در هر ۱۰۰ هزار تولد زنده در مدت فوق‌رسید. نسبت زایمان‌هایی که با حضور پرسنل بهداشتی ماهر انجام می‌شود به حدود ۹۷/۳ درصد افزایش یافت.

۲۰ - اما وجود نابرابری‌های منطقه‌ای در داخل کشور این دستاوردهای مثبت را خنثی می‌کند. از حیث شاخص توسعه انسانی بین توسعه‌یافته‌ترین و عقب‌مانده‌ترین استان‌ها بیش از ۲ درصد تفاوت وجود دارد. به نظر می‌رسد علت اصلی این امر نابرابری درآمدها باشد که از عدم امکانات اشتغال ناشی می‌شود که به نوبه خود به مهاجرت داخلی از مناطق روستایی به شهرها دامن می‌زند. نابرابری‌ها در زمینه جنسیت نیز وجود دارد که در بخش چهارم (ه) به تفصیل بیشتر بیان شده است. درباره گروه‌های اقلیت اطلاعات مبسوطی وجود ندارد اگرچه وجود تبعیض علیه جامعه بهایی گزارش شده بود؛ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کمیته متخصصان مربوط به کاربرد کنوانسیون‌ها و توصیه‌های سازمان بین‌المللی کار، و فرستادگان رویه‌های ویژه، بیشتر در این زمینه ابراز نگرانی کرده‌اند.

چهارم - حقوق مدنی و سیاسی

۲۱ - سال گذشته شاهد تحولات مثبت و منفی در حوزه حقوق مدنی و سیاسی بوده است. فعالان محلی حقوق بشر به مشارکت در دفاع شدید از مسائل حقوق بشر، افزایش آگاهی عمومی، نفوذ بر فرآیند تصمیم‌گیری در نهادهای گوناگون کشور مانند مجلس ادامه داده‌اند. در طول سال‌های گذشته تریبونی عمومی برای بحث‌ها درباره مسائل حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، از جمله در زمینه انتخابات (های) عمومی ایجاد شد. همچنان که در بخش‌های مربوطه گزارش حاضر توصیف شده، نهادها و مسئولان ایرانی گام‌های مثبتی نیز برداشته‌اند که تفاهم و حساسیت متقابل نسبت به نگرانی‌های محلی و بین‌المللی به مسائلی مانند مجازات مرگ برای نوجوانان، سنگسار

۲۲ - بعضی روندهای منفی نیز گزارش شده است از جمله افزایش موارد نقض حقوق زنان، دانشجویان دانشگاه‌ها، معلمان، کارگران و سایر گروه‌های فعال. ادامه آزار مدافعان حقوق بشر، از جمله فعالان حقوق زنان گزارش شده است.^(۳) رسانه‌های مستقل نیز محدودیت‌های شدیدتر را تجربه کرده و نشریات متعددی تعطیل شده‌اند. در حالی که دو آمریکایی ایرانی‌تبار که در سال ۲۰۰۷ دستگیر شدند با سپردن وثیقه آزاد شده‌اند. دستگیری‌های پرسر و صداتر اعضای جامعه بهایی گزارش شده است. مسئولان ایرانی می‌گویند این دستگیری‌ها به جاسوسی و مسائل امنیت ملی مربوط می‌شود.

۲۳ - مجازات اعدام، از جمله چند مورد مربوط به نوجوانان، به شکلی گسترده ادامه یافت. حداقل چند مورد سنگسار و اعدام علنی برخلاف اقدامات مسئولان برای جلوگیری از چنین روش‌هایی به وقوع پیوسته است. موارد قطع عضو و شلاق زدن و مرگ‌ها و خودکشی‌های مشکوک زندانیان در زندان نیز گزارش شد. اطلاعات موجود درباره هر یک از مسائل موضوعی مشخص شده در قطعنامه ۶۲/۱۶۸ مجمع عمومی در بخش‌های بعد آورده خواهد شد.

الف - شکنجه و رفتار یا مجازات بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز از جمله شلاق زدن و قطع عضو

۲۴ - همچنان که پیش‌تر گفته شد اصل ۲۸ قانون اساسی شکنجه را ممنوع می‌کند، اما قانون مجازات عمومی تعریف روشنی از شکنجه به عنوان یک جرم کیفری ویژه ارائه نمی‌دهد. گزارش شده بود کنوانسیون علیه شکنجه و سایر رفتار یا مجازات بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز روز ۱۵ دسامبر ۲۰۰۲ به مجلس ششم تسلیم شد و به تصویب رسید، اما شورای نگهبان، ظاهراً به دلیل تصور مغایرت با قوانین و اصول اسلامی آن را رد کرد.

۲۵ - گزارشگر ویژه درباره شکنجه و سایر رفتار یا مجازات بی‌رحمانه، غیر انسانی و تحقیرآمیز ابلاغیه‌های بسیاری برای مقامات ایرانی در رابطه با ادعاهای جدی شکنجه ارسال کرده است. او فقط در سال ۲۰۰۷ بیست و چهار ابلاغیه مشترک و یک تقاضای فوری ارسال کرد.^(۴)

مقامات ایرانی ادعاهای شکنجه را در بیشتر موارد تکذیب کردند و جواب دادند که محاکمات عادلانه بوده حکم‌های متناسب صادر شده است.

۲۶ - قطع عضو و مجازات اعدام را اگر چه مسئولان ایرانی مجازات‌های اسلامی اعلام می‌کنند، همچنان به عنوان دلیل جدی نگرانی باقی است.^(۵) وقتی آخرین گزارش دوره‌ای جمهوری اسلامی ایران تحت میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی در سال ۱۹۹۲ بررسی شد، کمیته حقوق بشر به این نتیجه رسید که اعمال مجازات‌های بسیار شدید، مانند شلاق زدن، سنگسار کردن و قطع عضو، با مفاد ماده ۷ میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی، که جمهوری اسلامی ایران طرف آن است، سازگار نیست. کمیته حقوق کودک در اظهارنظر نهایی خود در سال ۲۰۰۵ نگرانی عمیق خود را چنین ابراز کرد:

... براساس قوانین موجود، اشخاص کمتر از ۱۸ سال که مرتکب خلافی شده‌اند می‌توانند در معرض مجازات اعدام قرار گیرند و به انواع گوناگون شکنجه یا سایر مجازات یا رفتار بی‌رحمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز مانند قطع عضو، شلاق یا سنگسار محکوم شوند که مسئولان قضایی به گونه ای منظم اعمال می‌کنند... (CRC/C/15 Add.254). پاراگراف ۴۵).

۲۷ - یک خبرگزاری ایرانی گزارش داد دست‌های ۴ نفر در مشهد قطع شده است. علاوه بر این، روز ۱۰ ژانویه ۲۰۰۷، همان خبرگزاری از قول رئیس فوه‌قضاییه در شهر کرمانشاه گزارش داد به زودی در ارتباط با چند سرقت در این استان تعدادی قطع عضو در ملاء عام انجام خواهد شد. به علاوه، گزارش شد متهمان به اعمال همجنس بازی به گونه ای معمول شلاق می‌خورند و در معرض اعدام هستند.

۲۸ - گروه کاری مربوط به بازداشت خودسرانه، در جریان دیدار خود از ۱۵ تا ۲۷ فوریه ۲۰۰۳ به استفاده گسترده از «حبس انفرادی» و «زندان ملاقات ممنوع»، به خاطر خود این حبس‌ها، نه برای مقاصد انضباطی سنتی، خبر داد (E/CN.4/2004/3) ضمیمه ۲، اصلاحیه ۱ پاراگراف ۵۴).

با این حال، مسئولان ایرانی به کمیساریای عالی اطلاع دادند چنین حس‌هایی استثنایی است و به جنایات بسیار جدی، مانند قتل و جاسوسی، مطابق با قانون آیین دادرسی کیفری، رسیدگی می‌شود. مدت حبس انفرادی از يك ماه به ۲۰ روز کاهش یافته است.

ب - مجازات مرگ و اعدام‌های علنی

۲۹ - گروه کاری مربوط به بازداشت خودسرانه اعلام کرد مجموعه قوانین جزایی ایران ۵ گروه جرم دارد که مجازات‌های گوناگونی می‌توان برای آنها اعمال کرد: حدود، قصاص، دپه، تعزیر و مجازات‌های پیشگیرانه (به E/CN.4/2004/3 ضمیمه ۲ و تصحیح ۱ نگاه کنید). حدود شامل جرایمی علیه مشیت‌الهی می‌شود که مجازات‌های آن شامل اعدام، به دار آویختن، سنگسار، قطع دست راست و در صورت تکرار جرم پای چپ، شلاق زدن و زندان و تبعید است. قصاص تا حد زیادی شبیه «چشم در برابر چشم است.» اجرای حکم قصاص نسبت به کل یا قسمتی از بدن شخص مجرم منوط به تصمیم قربانی است، که ممکن است بخواهد رفتار مشابه جرم با مجرم انجام شود یا ممکن است جبران مالی (دپه) را در مورد قتل یا آسیب جسمی بپذیرد. تعزیر شامل جرائمی است که مجازات آنها براساس مقررات تعیین شده در مجموعه قوانین دولتی و نه شریعت اسلامی، تعیین می‌شود.

۳۰ - مجازات مرگ برای بعضی از جرائم خاص حدود، از جمله زناى محصنه، زناى با محارم، تجاوز، فحشا برای چهارمین بار به وسیله شخص مجرد، شرب خمر برای سومین بار، لواط، رابطه جنسی بین مردان بدون دخول برای چهارمین بار، رابطه جنسی بین دو زن برای چهارمین بار، زناى مرد غیرمسلمان با زن مسلمان و متهم کردن دروغین به زنا یا لواط برای چهارمین بار. علاوه بر این برای جرائم دشمنی با خدا(محاربه) و فساد در زمین (مفسد فی‌الارض) نیز می‌توان مجازات اعدام را به عنوان یکی از ۴ مجازات ممکن، در نظر گرفت. در جرائم گروه تعزیر برای «سب پیامبر» (ماده ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی) نیز می‌توان مجازات اعدام در نظر گرفت. مجازات اعدام را برای جرائمی مانند قاچاق مواد مخدر، قتل، جاسوسی و جرائمی علیه امنیت ملی نیز می‌توان اعمال کرد.

۳۱ - ادامه موارد فراوان اعدام‌ها، با افزایش ناگهانی اعدام‌های گزارش شده در ماه‌های اخیر، که مسئولان می‌گویند بخشی از تلاش‌ها برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر بوده است، همچنان باعث نگرانی است. مثلاً، در ۲۷ ژوئیه ۲۰۰۸ ظاهراً ۲۹ نفر اعدام شدند که علت اعدام ۱۸ نفر خلاف‌های مربوط به مواد مخدر بود.

۳۲ - کمیته حقوق بشر درباره تعداد فراوان محکومیت‌ها به مرگ، که بسیاری از آنها ناشی از محاکماتی بود که در آنها اجرای تشریفات درست قانونی ضمانت نشده بود، بشدت ابراز نگرانی کرد (CCPR/C/79 ضمیمه ۲۵ پاراگراف ۸). براساس میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، که جمهوری اسلامی ایران طرف آن است، اعمال مجازات اعدام به جدی‌ترین جرائم محدود است و فقط باید به محدودکننده‌ترین روش ممکن همراه با تضمین برای حداکثر حمایت‌های ناشی از آیین دادرسی به کار رود.

۳۳ - سخنگوی قوه قضاییه ایران ژانویه ۲۰۰۸ اعلام کرد رئیس قوه قضاییه با صدور اطلاعیه‌ای اعدام در ملاعام را ممنوع کرده است. این اعلامیه شامل کلیه موارد اعدام می‌شود و در آن پیش‌بینی شده که درباره موارد استثنایی، هرگاه لازم باشد، رئیس قوه قضاییه رسماً تصمیم گرفته و تصویب خواهد کرد. اعلامیه فوق همچنین انتشار تصاویر اعدام‌ها را در روزنامه‌ها و سایر رسانه‌ها ممنوع می‌کند. با این حال گزارش می‌شود اعدام‌های علنی هنوز انجام می‌گیرد.^(۵)

ج - سنگسار به عنوان روش اعدام

۳۴ - رئیس قوه قضاییه ژانویه ۲۰۰۲ با صدور دستورالعملی سنگسار کردن را به عنوان مجازات ممنوع کرد اما همچون مورد ممنوعیت اعدام‌های علنی این دستورالعمل تاثیر الزام‌آور حقوقی ندارد و فقط به عنوان دستوری برای قضات به شمار می‌رود.

۳۵ - از زمان اعلام این ممنوعیت چند گزارش از سنگسار دریافت شده است. در مه ۲۰۰۶، دو نفر در مشهد با سنگسار اعدام شدند. در ژوئیه ۲۰۰۷ يك مرد ظاهراً در قزوین با سنگسار اعدام گردید اگر چه شريك او اوایل ۲۰۰۸ از زندان آزاد شد. کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای حقوق بشر به علت این مورد در اعلامیه‌ای علنی در ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۷ به شدت ابراز نگرانی کرد. شورای حقوق بشر نیز به روش‌های ویژه نگرانی خود را طی چند مکاتبه با دولت ایران درباره سنگسار کردن زنان، بویژه به دلیل زنا ابراز کرده است. قانون مجازات عمومی کنونی ایران اعدام با سنگسار را به عنوان مجازات زنا به وسیله اشخاص متاهل تجویز می‌کند.

۳۶ - گزارش شده است که احکام سنگسار برای حداقل ۱۴ نفر یعنی ۱۱ زن و ۳ مرد معلق شده است. همچنین در ژوئیه ۲۰۰۸ گزارش شد ۹ نفر برای زنا به سنگسار محکوم شده‌اند، اگر چه مسئولان ایرانی این ارقام را قبول ندارند. جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران نیز فعالانه برای لغو سنگسار کردن فعالیت می‌کند. هدف برنامه «مبارزه برای متوقف کردن همیشگی سنگسار»، که از سال ۲۰۰۶ آغاز شد، مستند کردن موارد محکومیت به سنگسار، شناسایی وکلایی است که مایلند از متهمان دفاع و در جهت لغو کامل سنگسار کردن کار کنند.

د - اعدام نوجوانان

۳۷ - رئیس قوه قضائیه، بر اساس آنچه بعضی از مردم می‌گویند، دستور توقف موقت اعدام نوجوانان را صادر کرده است. این دستور نیز الزام قانونی برای قضات ندارد زیرا به شکل ابلاغیه اداری است نه قانون و موارد اعدام نوجوانان همچنان گزارش داده می‌شود.

به نظر می‌رسد مقامات قضایی درصدد به تاخیر انداختن موارد مجازات اعدام نوجوانان بر زمینه‌های آیین‌نامه‌ای، افزایش دقت قضایی و افزایش زمان موجود برای خانواده‌های قربانی و محکوم برای رسیدن به توافق درباره دیه براساس قوانین اسلامی هستند.

۳۸ - به علاوه، گزارش شده است لایحه‌ای درباره تشکیل دادگاه‌های نوجوانان در حال حاضر در مجلس تحت بررسی است. براساس گفته‌ها این لایحه «به طور کلی» به تصویب اکثر نمایندگان رسیده و برای بررسی بیشتر به کمیته ویژه فرستاده شده است. این لایحه به تحقق اصول عدالت ترمیمی کمک می‌کند و در صدد تغییر مسیر از نظام کیفری به راه‌حل‌های مبتنی بر مصلحت یا اصلاح جامعه و یافتن گزینه‌های دیگر به جای محکومیت‌های کیفری است. شنیده‌ها حاکی است که این لایحه نه مجازات مرگ برای نوجوانان بزهکار کمتر از ۱۸ سال را لغو خواهد کرد و نه به صورت رسمی سن مسئولیت جزایی را افزایش خواهد داد. با این حال نشانه گامی مهم به سوی هماهنگ کردن نظام حقوقی ایران با ضوابط و معیارهای بین‌المللی مربوطه در حوزه عدالت برای نوجوانان است.

۳۹ - علی رغم این تحولات مثبت گزارش شده است تعداد زیادی از اعدام‌های نوجوانان هنوز انجام می‌شود. عفو بین‌الملل گزارش داد بین ۱۹۹۰ و ۲۰۰۶ جمهوری اسلامی ایران ۲۲ کودک بزهکار را اعدام کرد که تقریباً نیمی از مجموع (۵۱) نوجوان اعدام شده در طول دوره گزارش در سراسر جهان بود. گزارشی دیگر حاکی از این بود که در مجموع ۱۰۷ خلافکار کمتر از ۱۸ ساله به مرگ محکوم شده‌اند که پرونده ۳۶ نفر از آنان اینک در مراحل نهایی است. مسئولان ایرانی این ارقام را قبول ندارند و به روند در حال کاهش اعدام نوجوانان در طول زمان اشاره می‌کنند.

۴۰ - میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون حقوق کودک، که جمهوری اسلامی ایران طرف آنها است، کشورهای طرف را موظف می‌سازد افراد کمتر از ۱۸ سالی را که مرتکب جرمی می‌شوند به مجازات مرگ محکوم نکند.

۴۱ - سن مسئولیت کیفری براساس قوانین ایران ۱۴ سال و ۷ ماه برای پسران و ۸ سال و ۹ ماه برای دختران است، که نه فقط تبعیض‌آمیز بلکه براساس معیارهای بین‌المللی کم است. براین اساس کودکانی را که مرتکب جرائم جدی می‌شوند می‌توان به عنوان بزرگسال مطابق قانون مجازات عمومی محاکمه کرد (به پاراگراف ۹۸ E/CN.4/2002/42 نگاه کنید). علاوه بر این، براساس قصاص احتمال صدور حکم مرگ برای بزهکاران نوجوان وجود دارد مگر این که درباره دیه توافق شود یا خانواده قربانی، بزهکار را عفو کند. فلسفه حقوق اسلامی قصاص را حق خصوصی خانواده قربانی می‌داند که تصمیم قاضی یا هیچ مقام دیگری نمی‌تواند آن را نقض کند. در مورد قصاص مقررات ایران دولت را از دخالت منع می‌کند.^(۴)

۴۲ - کمیته حقوق کودک در سال ۲۰۰۵ از ادامه اعدام‌های نوجوانان به شدت ابراز نگرانی کرد و از جمهوری اسلامی ایران خواست اقدامات لازم را برای تعلیق آنی اجرای مجازات اعدام اشخاصی که پیش از ۱۸ سالگی مرتکب جرمی شده‌اند به عمل آورد، تدابیر مناسب حقوقی برای تبدیل احکام محکومیت آنان به مجازات‌هایی مطابق با مفاد کنوانسیون حقوق کودک انجام دهد و مجازات مرگ را به عنوان محکومیت تحمیل شده به اشخاص برای ارتکاب جرائمی پیش از ۱۸ سالگی، چنان که ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک ایجاب می‌کند، لغو کند.

۴۳ - کمیسر عالی سازمان ملل برای حقوق بشر در گفتگو با مسئولان ایرانی برای موضوع عدم اعدام نوجوانان اولویت بسیار قائل شده و این امر باعث انجام اقداماتی در موارد فردی از طریق مکاتبات خصوصی با نمایندگی دائمی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل در ژنو، ارسال نامه‌هایی برای وزیر خارجه و صدور اعلامیه‌های عمومی شده

۴۴ - کمیسر عالی ر ۱۰ ژوئن ۲۰۰۸ درباره گزارش‌های مربوط به صدور حکم مرگ برای ۴ نوجوان بزهکار به نام‌های بهنود شجاعی، محمد فدایی، سعید جزی و بهنام زارع برای جرائمی که پیش از ۱۸ سالگی مرتکب شده بودند، علناً ابراز نگرانی کرد. وی اذعان کرد مسئولان ایرانی برای بررسی قضایی دقیق‌تر پرونده‌ها و تشویق سازش بین متهمان و خانواده‌های قربانیان اقداماتی انجام داده‌اند. اما کمیسر عالی به مسئولان ایرانی ممنوعیت مطلق اعمال مجازات اعدام برای بزهکاران نوجوان به موجب حقوق بین‌الملل را یادآوری کرد. گزارش شد که اعدام ۴ نفر فوق به تعویق افتاد و جزی با خانواده قربانی به توافق رسید.

۴۵ - علاوه بر این، کمیسر عالی در جریان دیدار از تهران در سپتامبر ۲۰۰۷ موضوع محمدلطیف را که برای ارتکاب جرمی در سن پیش از ۱۸ سالگی به مرگ محکوم شده بود، مطرح کرد. گزارش‌های بعدی نشان داد که بین خانواده‌های لطیف و قربانی توافق نهایی حاصل شده است.

۵ - حقوق زنان

۴۶ - جمهوری اسلامی ایران هنوز کنوانسیون حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان را تصویب و تایید نکرده است.
۴۷ - براساس گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۸ - ۲۰۰۷ برنامه عمران سازمان ملل متحد، جمهوری اسلامی ایران در شاخص توسعه جنسیتی بین ۱۷۷ کشور مورد بررسی در مکان نود و چهارم و در زمینه مقررات و تدابیر مربوط به توانمندسازی جنسیتی در جای هشتم قرار دارد. نابرابری‌های جنسیتی بین مناطق جغرافیایی کشور باقی است. برای مثال مطابق اطلاعات سازمان برنامه‌ریزی و مدیریت جمهوری اسلامی ایران، شاخص توسعه جنسیتی در بعضی از استان‌ها، مانند سیستان و بلوچستان، هرمزگان و زنجان آشکارا پایین‌تر از میانگین ملی است.

۴۸ - گزارش شده است که جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۹۹۰، یعنی سال مینا برای هدف‌های توسعه هزاره، در زمینه آموزش و پرورش و بهداشت زنان دستاوردهای مهمی داشته است و احتمال دارد که به هدف‌های شماره ۲ (دستیابی به آموزش ابتدایی همگانی)، ۴ (کاهش میزان مرگ و میر کودکان) و ۵ (بهبود بهداشت مادران) دست یابد. برای مثال نسبت باسوادی زنان به مردان در گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال از ۸۷/۹ درصد به ۹۸/۶ درصد افزایش یافته است. نسبت ثبت‌نام دختران در آموزش ابتدایی، متوسطه و دانشگاهی به حد بارزی افزایش یافت و از ۷۹/۲ درصد به ۹۴/۳ درصد رسید به طوری که دانشجویان مونث ۶۴ درصد کل دانشجویان دانشگاه‌ها را تشکیل می‌دهند. دسترسی به مراقبت بهداشتی، از جمله مراقبت بهداشت باروری تقریباً همگانی شده است. همچنان که پیشتر گفته شد نسبت مرگ و میر مادران و کودکان نیز به شدت کاهش یافته است.

۴۹ - با وجود این دستاوردهای مثبت، جمهوری اسلامی ایران با چالش‌هایی در زمینه تساوی حقوق جنسیتی و برابری و توانمندسازی زنان مواجه است. قوانین جزایی و مدنی دارای مفادی تبعیض‌آمیز است که نیاز فوری به اصلاح دارد. گزارشگر ویژه درباره خشونت علیه زنان، دلایل و عواقب آن، در ۳۰ نوامبر ۲۰۰۷ درباره مفاد پیش‌نویس لایحه حمایت از خانواده، که ادعا شده حقوقی را که زنان در حال حاضر در خانواده از آن برخوردارند، لغو کرده، ابراز نگرانی کرد (شماره ۶۸۲۵۷/۲۶۷۸۰ مورخ ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷). این لایحه به ویژه گرفتن طلاق را برای زنان دشوارتر خواهد کرد زیرا آنان باید غیرممکن بودن آشتی را با میانجیگری مراکز مشاوره خانواده، متشکل از کارشناسانی در رشته بررسی‌های خانوادگی، حقوق و حقوق اسلامی ثابت کنند (A/HRC/7/6/Add.1 پاراگراف‌های ۲۲۶ - ۲۱۴).

۵۰ - اخیراً اقدامات امیدوارکننده‌تر دیگری برای اصلاح قوانین تبعیض‌آمیز انجام شده است. براساس قوانین ایران مفاد مربوط به دیه برای حوادث و مرگ، ارزش زندگی و اعضای بدن مردان را ۲ برابر زنان می‌داند. مجلس اخیراً در این قانون تجدیدنظر کرد و قوانینی پیشنهاد شده تا ارزش برابر زنان در چنین مواردی به رسمیت شناخته شود. مجلس در قانون ارث برای زنان متاهل نیز تجدیدنظر کرد. به موجب قانون وقتی شوهری می‌میرد، همسر استحقاق «سهم زن» را دارد که مستغلات در آن جایی ندارد و زمین به طور مستقیم به فرزندان و والدین شوهر می‌رسد. علاوه بر این، فرزندان ذکور دو برابر فرزندان اناث ارث می‌برند. نمایندگان زن مجلس در وضع قوانین جدید برای رفع این نابرابری نقش اساسی داشته‌اند اگرچه این کار با مقاومت‌هایی از علمای دینی مواجه شده است. اگرچه این دو قانون جدید هنوز به تصویب نرسیده، چنین ابتکارهایی در زمینه قانونگذاری، نشان‌دهنده گام‌هایی مثبت، به ویژه با توجه به بحث‌ها و

۵۱ - زنان در بازار کار خارج از بخش کشاورزی مشارکت محدود، حدود ۱۶ درصد، دارند که نشان می‌دهد پیشرفت حاصله در آموزش زنان در گذشته نزدیک هنوز منجر به مشارکت بیشتر زنان در اقتصاد نشده است. کمیته کارشناسان سازمان بین‌المللی کار درباره مشارکت اندک زنان در بازار کار و به ویژه دسترسی محدود آنان به مشاغل و مناصب مهم و نسبت فراوان بیکاری آنان ابراز نگرانی کرد. به علاوه، این کمیته اعلام کرد بدون لغو سریع بخش ۱۱۱۷ قانون مدنی، این ماده مدام تأثیری منفی بر فرصت‌های شغلی زنان خواهد داشت. نمایندگان زن فقط ۴/۱ درصد نمایندگان مجلس را تشکیل می‌دهند و مشارکت زنان در اداره امور کشور و مواضع تصمیم‌گیری همچنان محدود است. علاوه بر این وجود موانع اجتماعی - فرهنگی و تصورات نادرست و کلیشه‌ای جنسیتی در برنامه درسی مدارس و رسانه‌ها، نگرش مردسالارانه موجود در جامعه را تقویت می‌کند.

۵۲ - خشونت مبتنی بر جنسیت نیز فراوان و رایج است. گزارشگر ویژه مربوط به خشونت علیه زنان، دلایل و عواقب آن، در جریان دیدار از ایران از ۲۹ ژانویه تا ۶ فوریه ۲۰۰۵ مشاهده کرد علت اصلی خشونت علیه زنان در جمهوری اسلامی ایران نابرابری جنسیتی است که ارزش‌های مردسالارانه و قوانین و رویه‌های تبعیض‌آمیز علیه زنان باعث تدویم آن می‌شود (E/CN.4/۲۰۰۶/۶۱ ضمیمه ۳).

۵۳ - درباره مبارزه روزافزون در سال گذشته با جنسیت حقوق زنان در جمهوری اسلامی ایران ابراز نگرانی شده است. دولت ایران گاهی عملگرایی فعالان حقوق زنان را مرتبط با تهدیدهای امنیتی خارجی به کشور معرفی می‌کند. برای مثال، ترتیب‌دهندگان اصلی برنامه «یک میلیون امضاء» ظاهراً با دستگیری و ارباب از طرف مسئولان مواجه شدند. کمیسر عالی سازمان ملل برای حقوق بشر روز ۶ مارس ۲۰۰۷ درباره دستگیری حداقل ۳۱ زن از فعالان در جریان اجتماعی آرام در مقابل دادگاه انقلاب اسلامی در تهران علناً ابراز نگرانی کرد. تعدادی از فرستادگان رویه‌های ویژه درباره دستگیری، بازداشت و بدرفتاری با مدافعان حقوق زنان در مناسبت‌های متعدد در سال‌های اخیر ابراز نگرانی کرده‌اند (نگاه کنید برای مثال به A/HRC/V/۶ ضمیمه ۱ و A/HRC/V/۲۸ ضمیمه ۱). گزارشگر ویژه مربوط به خشونت علیه زنان، دلایل و عواقب آن، با نگرانی به دستگیری‌های مکرر زنان برای پوشیدن روسری‌های نامناسب یا رویوش‌های گنشاد اشاره کرده است.

و - حقوق اقلیت‌ها

۵۴ - قانون اساسی آشکارا اعلام می‌کند اسلام دین رسمی کشور است، اما دو ماده (اصل) مهم درباره اقلیت‌های دینی دارد. ماده (اصل) ۱۳ می‌گوید ایرانیان زرتشتی، یهودی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته شده هستند که آزادند مراسم و آیین‌های دینی خود را، در محدوده قانون، انجام دهند و در مسائل امور شخصی و آموزش دینی براساس شریعت خود عمل کنند. اصل ۱۴ همچنین حمایت از غیرمسلمانان را، مشروط بر این که از توطئه یا فعالیت علیه اسلام و جمهوری اسلامی ایران خودداری کنند، پیش‌بینی کرده است.

۵۵ - درباره بازداشت‌های خودسرانه، زندانی کردن غیرقانونی، ضبط و نابود کردن اموال، ندادن شغل و مزایای دولتی و جلوگیری از آموزش عالی به اعضای جامعه بهایی همچنان گزارش می‌رسد. افزایش چشمگیر خشونت علیه بهایی‌ها و خانه‌ها، مغازه‌ها، مزارع و گورستان‌های آنان در سراسر کشور گزارش شده است. چند مورد مربوط به شکنجه یا بدرفتاری در بازداشت نیز وجود داشته است.

۵۶ - فرستادگان رویه‌های ویژه موضوع بهایی‌ها را مکرراً با مقامات ایرانی مطرح کرده‌اند. گزارشگر ویژه مربوط به آزادی دین یا عقیده، کارشناس مستقل مربوط به مسائل اقلیتی و گروه کاری مربوط به بازداشت خودسرانه از ژوئن ۲۰۰۶ بارها موضوع توقیف ۵۴ عضو جامعه بهایی را در شیراز، که گزارش داده شده در کار اجتماعی شرکت داشته‌اند، مطرح کرده‌اند. گزارشگر ویژه مربوط به آزادی دین یا عقیده همچنین ۲۴ آوریل ۲۰۰۷ از این که دانش‌آموزان بهایی در معرض آزار، هتاک، توهین و سایر اشکال بدرفتاری از طرف معلمان و مسئولان مدارس خود بوده‌اند، ابراز نگرانی کرد. ادعا شده است دانش‌آموزان بهایی مجبور شدند دین خود را بگویند و بعد به آنان توهین کردند و تهدید به اخراج و در مواردی به طور موقت از مدرسه اخراج شدند. در ژانویه و فوریه ۲۰۰۷ حدود ۱۵۰ مورد از چنین حوادثی گزارش شد. به بسیاری از دانش‌آموزان اطلاع داده شد به دلیل عقیده خود اخراج شده‌اند. از این گذشته، کمیته کارشناسان سازمان بین‌المللی کار ژوئن ۲۰۰۶ به این نتیجه رسید که در زمینه اصلاح یا لغو قوانینی که مغایر

۵۷ - در ۱۸ می ۲۰۰۸ گزارش داده شد ۶ عضو رهبری بهایی در کشور دستگیر و يك نفر نیز از ۵ مارس ۲۰۰۸ در مشهد به صورت ممنوع الملاقات زندانی شده است. متعاقباً روز ۲۳ می کمیسر عالی در نامه‌ای به مقامات ایرانی خواهان اطلاعات درباره گزارش‌های مربوط به رعایت تعهدات جمهوری اسلامی ایران براساس میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی در مورد تضمین عدم بازداشت خودسرانه اشخاص و حمایت از حق آزادی دین یا عقیده شد. مقامات ایرانی تأکید می‌کنند دستگیری‌ها به دلایل امنیت ملی انجام شده است.

۵۸ - گزارش می‌شود که سایر گروه‌های اقلیت در جمهوری اسلامی ایران در معرض طیفی از موارد نقض حقوق بشر بوده‌اند. برای مثال فرستادگان رویه‌های ویژه نامه‌هایی در ارتباط با اقلیت عرب در خوزستان ارسال داشتند. گروه کاری مربوط به بازداشت خودسرانه و گزارشگران ویژه مربوط به ترویج و حمایت از حق آزادی عقیده و بیان در ۳ فوریه ۲۰۰۶ درباره توقیف هفت نفر از اقلیت‌های عرب در شهر اهواز در ۱۱ و ۱۲ ژانویه ۲۰۰۶ که پس از درگیری بین نیروهای امنیتی و اعضای جامعه اقلیت عرب صورت گرفت، ابرازنگرانی کردند. گزارشگر ویژه مربوط به اعدام‌های فراقانونی، شتابزده یا خودسرانه در ۳۱ اوت ۲۰۰۶ اذنان را به اطلاعاتی که درباره محاکمه مخفیانه ادعایی و محکومیت به اعدام ۲۲ فعال اقلیت عرب دریافت کرده بود، جلب کرد.

گزارشگر ویژه در ۱۳ نوامبر ۲۰۰۶ بار دیگر در ارتباط با محکومیت مرگ ۱۰ نفر از ۲۲ نفر فوق در نامه‌ای به مسئولان ایرانی درباره گزارش‌های مربوط به شکنجه آنان برای گرفتن اقرار و دسترسی نداشتن به وکیل پیش از محاکمه، ابراز نگرانی کرد. مسئولان ایرانی اصرار دارند این دستگیری‌ها در ارتباط با فعالیت‌های تروریستی انجام شده است.

۵۹ - به علاوه، رویه‌های ویژه در رابطه با اعضای جامعه مسلمان صوفی نعمت‌اللهی، جامعه کرد، جامعه سنی، جامعه بلوچی، جامعه ترك آذری و جامعه مسیحی که طبق گزارش‌ها در معرض بازداشت و شکنجه خودسرانه، طبق ادعاها در ارتباط با تظاهرات مسالمت‌آمیز برای حقوق، مانند حق صحبت کردن به زبان خود و برگزاری مراسم دینی خود، مکانباتی انجام داده‌اند.

۶۰ - هیات‌های معاهده‌ای نیز به موضوع حقوق اقلیت‌ها در جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند. از جمله کمیته حقوق بشر نسبت به میزان محدودیت‌ها و تزییفات درباره آزادی دین و عقیده ابراز نگرانی و اعلام کرد برگشت از اسلام قابل مجازات است و حتی پیروان سه دین شناخته شده با دشواری‌های جدی در برخورداری از حقوق خود مواجه هستند. این کمیته بویژه نگران شدت تبعیض علیه پیروان ادیان به رسمیت شناخته نشده، به ویژه بهائیت است، که حقوق آنان براساس میثاق در معرض محدودیت‌های بسیار شدید قرار دارد. (CCPR/C/79 ضمیمه ۲۵ پاراگراف ۱۶). کمیته مربوط به حذف تبعیض‌نژادی در سال ۲۰۰۳ درباره تبعیض گزارش شده دایر بر اینکه بعضی از اقلیت‌ها، از جمله بهایی‌ها با آن مواجه و از بعضی از حقوق محروم هستند و به نظر می‌رسد برخی از مفاد قوانین کشور تبعیض‌آمیز و بر مبنای زمینه‌های قومی و دینی است، نگرانی خود را ابراز کرد (CERD/C/۶۳/CO/۶ پاراگراف ۱۴). کمیته حقوق کودک در سال ۲۰۰۵ از این که تعداد زیادی از دانشجویان (جوانان) بهایی به دلیل وابستگی‌های دینی خود به دانشگاه پذیرفته نشده‌اند، ابراز نگرانی کرد. (CRC/C/۱۵ ضمیمه ۲۵۴ پاراگراف ۵۹).

۶۱ - جمهوری اسلامی ایران میزبانی دیرینه و سخاوتمند برای جمعیت قابل توجهی از آوارگان، به ویژه از کشور همسایه افغانستان بوده است. به دنبال بازگشت داوطلبانه حدود يك میلیون آواره افغانی از ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ دفتر امور بیگانگان و مهاجران خارجی تحت نظر وزارت کشور بین سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۷، دو تمبرین فراگیر برای ثبت‌نام آوارگان انجام داد. این دفتر در سال ۲۰۰۸ تمبرین سوم ثبت‌نام آوارگان افغانی را انجام داده و در حال حاضر در جریان صدور کارت‌های مربوطه برای بیش از ۸۵۰ هزار آواره ثبت‌نام شده افغانی است. پیش‌بینی می‌شود جواز کار نیز به طرز شایسته‌ای هنگام ثبت‌نام به آوارگان داده می‌شود. با این حال کمیته حقوق کودک اعلام کرد مدارس از کودکان آواره در حال حاضر فقط در صورتی ثبت نام می‌کنند که مشخصات والدین آنان به ثبت رسیده باشد و ثبت‌نام کودکان آواره در مدارس رایگان نیست (همان منبع).

ز - آزادی اجتماعات و تشکیل انجمن‌های مسالمت‌آمیز و آزادی عقیده و بیان

۶۲ - جامعه بین‌المللی درباره حق آزادی اجتماعات و تشکیل انجمن‌های مسالمت‌آمیز و آزادی عقیده و بیان به شدت ابراز نگرانی کرده است. کمیته حقوق بشر درباره میزان محدودیت‌ها برای آزادی بیان، تشکیل اجتماعات و انجمن‌ها متکی بر اصول ۶ و ۲۴ قانون اساسی و ماده ۱۶ قانون مربوط به فعالیت‌های احزاب، انجمن‌ها و اتحادیه‌های سیاسی و حرفه‌ای ابراز نگرانی کرد. کمیته فوق اعلام کرد بر خلاف مفاد ماده‌های ۱۸ و ۱۹ میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی، اعضای آن احزاب سیاسی که با آنچه مسئولان معتقد بودند تفکر اسلامی باشد موافق نبودند، یا کسانی که در مخالفت با مواضع رسمی اظهارنظر کردند، با تبعیض مواجه شدند. به نظر می‌رسید خودسانسوری نیز در رسانه‌ها گسترده باشد و بر آزادی اجتماعات و انجمن‌ها نیز محدودیت‌های شدید اعمال می‌شد (CCPR/C/79) ضمیمه ۲۵ پاراگراف ۱۵).

۶۳ - فرستادگان رویه‌های ویژه درباره مسائل مشابه ابراز نگرانی کرده‌اند. گزارشگر ویژه مربوط به حق آزادی عقیده و بیان در جریان دیدارش از ۴ تا ۱۰ نوامبر ۲۰۰۳ تقاضای اکید خود را برای اصلاح در جامعه مدنی، در مجلس و عالی‌ترین سطوح دولت وقت اعلام کرد اما تعدادی موانع نهادی مانع اصلاحات شدند (نگاه کنید به ضمیمه ۲ (E/CN.4/2004/62). وی گفت محدودیت‌های بسیار در قانون مطبوعات و قانون مجازات عمومی با محدودیت‌های احتمالی براساس ماده ۱۹ پاراگراف ۲ میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی سازگار نیست. او مشاهده کرد دلایل برای اعمال محدودیت مانند «اهانت به اسلام» یا «انتقاد» فاقد معیار عینی و تعریف روشن است و می‌تواند باعث تعبیر نادرست قضات شود. وی همچنین به مسئولان ایرانی تاکید کرد در قانونی که اعمال آزادی عقیده و بیان را محدود می‌کند تجدید نظر کرده و تعریفی روشن درباره مفاد محدودکننده این حق ارائه دهند.

۶۴ - علاوه بر این، گزارشگر ویژه تاکید کرد که استفاده از دادگاه‌های انقلاب برای محاکمه «جرایم مربوط به ابراز عقیده» تاثیری منفی بر اعمال حق آزادی عقیده و بیان می‌گذارد. وی از دولت ایران خواست همه زندانیانی را که برای جرایم مربوط به عقیده و مطبوعات محاکمه شده‌اند، عفو کند.

۶۵ - گزارش‌های روز افزونی درباره اعمال محدودیت‌های شدید بر رسانه‌ها در گذشته نزدیک رسیده است. این مبارزه بر رسانه‌های چاپی، وبلاگ‌ها و وبسایت‌ها تاثیر گذاشته و روزنامه‌نگارانی زندانی شده‌اند. یک مدافع شناخته شده حقوق بشر در کشور گفت در دوره مارس ۲۰۰۷ تا مارس ۲۰۰۸ حدود ۳۰ روزنامه و مجله در کشور از جمله روزنامه‌های شرق و هم‌میهن و همچنین مدرسه، زنان و دنیای تصویر، صبح زندگی، تلاش و هفت، تعطیل شدند. بعضی از فعالان حقوق زنان به خاطر وبلاگ‌های خود در زمینه‌های امنیت ملی تحت تعقیب قرار گرفتند. گزارش‌های دیگر حاکی است تنها در ماه مه ۲۰۰۸ بیش از ۱۸ وبلاگ فعال در زمینه قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان (برنامه «یک میلیون امضا») فیلتر شده‌اند. گزارش‌ها حاکی است سانسور کتاب‌ها شدیدتر شده و تاثیر منفی بر محیط صنعت نشر و نویسندگان داشته است. به نظر می‌رسد دولت ایران علناً خودسانسوری را تشویق می‌کند چنان که رسانه‌ها از قول وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نوشتند اگر ناشران کتاب کمی خودسانسوری می‌کردند، مجبور نمی‌شدند این همه شکایت کنند.

۶۶ - تضاد ظاهری بین قوانین ملی و قانون اساسی حق کارگران را برای تشکیل اتحادیه‌های کارگری مستقل پیچیده کرده است. در حالی که قانون اساسی حق انجمن و اجتماعات را تضمین می‌کند، قسمت ۶ قانون کار در زمینه تشکیل اتحادیه‌های آزاد صنفی لحنی مبهم و گنگ دارد. گزارش‌ها حاکی است تلاش‌هایی برای ایجاد تعدادی اتحادیه کارگری و اعتصاب برسر دستمزدها با توقیف‌های خودسرانه و خشونت نیروهای امنیتی مواجه شده است.

ح - ضعف آیین دادرسی و کوتاهی در رعایت حقوق زندانیان

۶۷ - همچنان که پیشتر اشاره شد قانون اساسی، قانون مجازات عمومی و قانون آیین دادرسی کیفری ایران طیفی از تضمین‌های مربوط به آیین دادرسی را در ارتباط با رعایت تشریفات قانونی پیش‌بینی کرده‌اند. با وجود این بیش از ۶۵ درصد مکاتبات ارسالی فرستادگان رویه‌های ویژه در سال ۲۰۰۷ به جمهوری اسلامی ایران، به نگرانی‌ها درباره ضعف رعایت حقوق قانونی و کوتاهی در رعایت حقوق زندانیان مربوط می‌شد.

۶۸ - کمیته حقوق بشر نیز به همین ترتیب درباره ضعف تدابیر حمایتی در زمینه رعایت تشریفات قانونی و محاکمات عادلانه ابراز نگرانی و عدم رعایت تشریفات قانونی، به ویژه در دادگاه‌های انقلاب را که قاعده کار آنها محاکمات در اتاق خصوصی یک قاضی و بدون حضور رسانه‌ها یا مردم است و ظاهراً هیچ امکان واقعی جهت آماده کردن دفاع برای متهمان وجود ندارد، تقبیح کرد. (CCPR/C/79) ضمیمه ۲۵ پاراگراف ۱۲).

۶۹ - گروه کاری مربوط به بازداشت خودسرانه، در جریان دیدار خود از ۱۵ تا ۲۷ فوریه ۲۰۰۳ به نارسایی و ضعف در رعایت تشریفات مربوط به آیین دادرسی به عنوان تضمینی در برابر رفتار خودسرانه اشاره کرد. بویژه در دادرسی‌های دادگاه انقلاب، تعبیری به شدت محدود کننده از ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری و توضیح شماره ۲ قانون انتخاب وکیل، منجر به کنار گذاشتن وکیل به میل قضات شد. گروه کاری فوق اشاره کرد مشارکت فعالانه وکیل باید در جریان کلیه مراحل محاکمه پیش‌بینی و تامین شود و دسترسی به کمک حقوقی باید موثرتر شود (E/CN.4/2004/3 ضمیمه ۲ و تصحیح ۱). قانون وکلای ایران درباره قانون جدید، که نظامی موازی برای صدور جواز کار وکلا به وجود آورده و می‌تواند باعث تضعیف بیشتر استقلال این قانون شود، ابراز نگرانی کرده است.

۷۰ - زنان تاثیر منفی قوانین و روش‌های تبعیض‌آمیز را تحمل می‌کنند. گزارشگر ویژه مربوط به خشونت علیه زنان، دلایل و عواقب آن، اعلام کرد اصول و قواعد حاکم بر ادله اثبات دعوی، علیه زنان تبعیض روا می‌دارد. برای مثال، در جرائم کیفری مانند قتل یا «روابط جنسی غیرقانونی»، شهادت زنان فقط نصف ارزش شهادت یک مرد را دارد و باید با شهادت یک مرد تایید گردد تا پذیرفته شود. وی افزود علاوه بر این مجازات‌های تحمیلی به زنان با شدت جرم ارتكابی تناسب ندارد و چنین مجازات‌های خودسرانه معمولاً تبعیض علیه زنان است که برای ارتكاب جرم مشابه، شدیدتر از مردان مجازات می‌شوند. (E/CN.4/2006/61 ضمیمه ۳).

پنجم - همکاری با دفتر کمیساریای سازمان ملل برای حقوق بشر و ساز و کارهای بین‌المللی حقوق بشر

الف - همکاری با نظام معاهده‌ای حقوق بشر سازمان ملل

۷۱ - جمهوری اسلامی ایران طرف چهار معاهده عمده حقوق بشر سازمان ملل متحد است. کنوانسیون حقوق کودک (مصوب ۱۳ ژوئیه ۱۹۹۴)، کنوانسیون حذف تبعیض‌نژادی (مصوب ۲۹ اوت ۱۹۶۸)، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (هر دو مصوب ۲۴ ژوئن ۱۹۷۵). ایران بعضی از دیگر معاهدات مربوط به حقوق بشر را تصویب و امضا کرده است، از جمله کنوانسیون مربوط به موقعیت آوارگان (۱۹۵۱) و پروتکل مربوط به آن (هر دو مصوب ۲۸ ژوئیه ۱۹۷۶)، کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرم قوم‌کشی (۱۹۴۸) (مصوب ۱۴ اوت ۱۹۵۶). کنوانسیون بین‌المللی سرکوبی و مجازات جنایت آپارتاید (۱۹۷۳) (مصوب ۱۷ آوریل ۱۹۸۵) و کنوانسیون سازمان بین‌المللی کار مربوط به ممنوعیت و اقدام فوری برای حذف بدترین اشکال کار کودکان (شماره ۱۸۲) (مصوب می ۲۰۰۲؛ جمهوری اسلامی ایران ۱۳ کنوانسیون بین‌المللی کار را تصویب کرده است).

۷۲ - جمهوری اسلامی ایران سابقه ضعفی از نظر همکاری با هیات‌های معاهده‌ها داشته و بیش از یک دهه است که به کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یا کمیته حقوق بشر گزارش نداده است. بیشتر مفاد نهایی هر یک از مجموعه‌های فوق که در ۱۹۹۳ به تصویب رسید هنوز اجرا نشده است. اما جهت مثبت قضیه این که جدیدترین گزارش‌های کشوری به وسیله کمیته حقوق کودک به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵ و به وسیله کمیته حذف کلیه اشکال تبعیض نژادی در سال ۲۰۰۳ بررسی شدند و امکان تجزیه و تحلیل عمیق اشکال گوناگون تبعیض و وضعیت حقوق کودک را فراهم ساختند.

۷۳ - جمهوری اسلامی ایران عادت دارد هنگام امضا یا تصویب شرط‌های کلی قائل شود، کاری که هیات‌های معاهدات مکرراً به عنوان یکی از عوامل اصلی ممانعت از برخورداری از بعضی از حقوق بشر که براساس کنوانسیون‌ها از آنها حمایت شده است، اشاره کرده‌اند.

ب - همکاری با رویه‌های ویژه

۷۴ - جمهوری اسلامی ایران در ژوئن ۲۰۰۲ دعوتی دائمی برای کلیه فرستادگان ماموریت‌های موضوعی در زمینه رویه‌های ویژه صادر کرد که با قطع ماموریت نمایندگان ویژه مربوط به اوضاع حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران همزمان بود که به وسیله کمیسیون حقوق بشر در سال ۱۹۸۴ ایجاد شده بود. گزارشگر ویژه مربوط به مسکن مناسب به عنوان جزیی از حق برخورداری از معیارهای زندگی مناسب و مربوط به حق عدم تبعیض در این زمینه (ژوئیه ۲۰۰۵؛ نگاه کنید به E/CN.4/2006/41 ضمیمه ۲)، گزارشگر ویژه مربوط به خشونت علیه زنان، دلایل و عواقب آن (ژانویه، فوریه ۲۰۰۵؛ نگاه کنید به E/CN.4/2006/61 ضمیمه ۳)، گزارشگر ویژه مربوط به حقوق بشر مهاجران (فوریه ۲۰۰۴؛ نگاه کنید به E/CN.4/2005/85 ضمیمه ۲)، گزارشگر ویژه مربوط به ترویج و حمایت از حق آزادی عقیده و بیان (نوامبر ۲۰۰۳؛ نگاه کنید به E/CN.4/2004/62 ضمیمه ۲)، و گروه کاری مربوط به بازداشت خودسرانه (فوریه ۲۰۰۳؛ نگاه کنید به E/CN.4/2004/3 ضمیمه ۲ و تصحیح ۱). تاکنون از جمهوری اسلامی ایران دیدن کرده‌اند. با

۷۵ - فرستادگان رویه‌های ویژه نیز مکاتبات انفرادی متعددی درباره طیفی گسترده از مسائل حقوق بشر در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران ارسال داشته‌اند.^(۸) در مجموع ۵۶ نامه در سال ۲۰۰۷ ارسال شد که ۴۲ مورد از آنها نامه‌های مشترک بود. مسئولان ایرانی به ۱۰ مورد پاسخ دادند.

همکاری با دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای حقوق بشر

۷۶ - کمیسر عالی سازمان ملل متحد برای حقوق بشر در سپتامبر ۲۰۰۷ برای شرکت در کنفرانسی درباره حقوق بشر و تنوع فرهنگی جنبش عدم تعهد از جمهوری اسلامی ایران دیدن کرد. وی در جریان دیدار خود با نمایندگان عالی‌مقام دولت دیدار و درباره طیفی از مسائل از جمله مجازات اعدام (به ویژه نوجوانان) و حقوق زنان گفتگو کرد. مسئولان ایرانی در جریان آن مذاکرات به همکاری بین کمیساریای عالی سازمان ملل برای حقوق بشر و قوه قضائیه ایران ابراز علاقه کردند. متعاقباً در ماه می ۲۰۰۸ به دعوت قوه قضائیه یک هیات ارزیابی فنی کمیساریا برای یافتن زمینه‌های احتمالی همکاری از تهران دیدن کرد. کمیساریا به عنوان اقدامی مقدماتی به مسئولان ایرانی پیشنهاد کرد که جمهوری اسلامی ایران دیدار گزارشگر ویژه مربوط به استقلال قضا و وکلا را پیش از پایان سال ۲۰۰۹ قبول کند.

۷۷ - کمیسر عالی درباره تعدادی از پرونده‌های فردی حقوق بشر از طریق مکاتبات خصوصی، نامه‌ها و اعلامیه‌های عمومی با مسئولان ایرانی مکاتبه داشته است. این پرونده‌ها و موارد از جمله مربوط به حقوق زنان، آزادی اجتماعات، اعدام‌های نوجوانان، مجازات بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز از جمله سنگسار کردن و آزادی دین و حقوق اقلیت‌ها است.

نتیجه‌گیری‌ها

۷۸ - در این گزارش به بسیاری از دلایل ادامه نگرانی برای حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران و همچنین بعضی از اقدامات مثبت انجام شده به وسیله مسئولان ایران برای رسیدگی به قوانین تبعیض‌آمیز و محدود کردن جنبه‌های مجازات مرگ اشاره شده است. دبیرکل، جمهوری اسلامی ایران را به رسیدگی به مسائل تاکید شده در این گزارش و ادامه اصلاح و تجدیدنظر در قوانین ملی، به ویژه قانون مجازات عمومی جدید و قوانین مربوط به عدالت نوجوانان، تضمین پیروی و متابعت از ضوابط بین‌المللی حقوق بشر و پیشگیری از روش‌های تبعیض‌آمیز علیه زنان، اقلیت‌های قومی و دینی و سایر گروه‌های اقلیت ترغیب می‌کند. دبیرکل به دستاوردهای مثبت جمهوری اسلامی ایران در زمینه بسیاری از شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی اشاره و دولت را تشویق می‌کند به برطرف کردن نابرابری‌های منطقه‌ای در زمینه برخورداری از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تبعیض علیه زنان و اقلیت‌ها ادامه دهد.

۷۹ - دبیرکل از اقدامات اخیر که برای یافتن زمینه‌های همکاری درباره حقوق بشر و اصلاح دادگستری با سازمان ملل متحد، از جمله کمیسر عالی سازمان ملل متحد برای حقوق بشر، به وسیله دولت جمهوری اسلامی ایران انجام شده، استقبال می‌کند. او دولت ایران را تشویق می‌کند معاهدات مهم بین‌المللی مربوط به حقوق بشر، بویژه کنوانسیون حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و کنوانسیون علیه شکنجه و سایر مجازات‌ها یا رفتار بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، را تصویب و امضا کند و شرط‌های کلی را که هنگام امضا و تصویب معاهدات گوناگون حقوق بشر قائل شده، همچنان که به وسیله هیأت‌های معاهده‌ای مربوطه توصیه شده، پس بگیرد. دبیرکل امیدوار است جمهوری اسلامی ایران گزارش‌های دوره‌ای مربوط به حقوق بشر خود را که مدت‌ها به تعویق افتاده براساس معاهدات حقوق بشر، به ویژه به کمیته حقوق بشر و کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به پایان برساند و در مورد آن تصمیم نهایی بگیرد تا بررسی دقیق و منظم پیشرفت در اجرای تعهدات مربوطه را امکان‌پذیر سازد. دبیرکل

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - باید یادآوری کرد برخی اظهارنظرهای پاپانی، برای مثال از طرف کمیته حقوق بشر در ۱۹۹۳، اکنون به دلیل تاخیر طولانی در ارائه گزارش دوره ای به وسیله جمهوری اسلامی ایران قدیمی شده، اگرچه نگرانی‌ها و مسائل ذکر شده در اینجا همچنان معتبر است.
- ۲ - براساس اطلاعات يك سازمان غیردولتی محلی به سرپرستی شیرین عبادی برنده جایزه صلح نوبل، در سال ۲۰۰۷ نیروی امنیتی یا قوه قضائیه ۱۲۸ شهروند را به صورت غیررسمی بدون حکم جلب برای مصاحبه فراخواند، ۲۹۷ نفر دستگیر شدند و ۱۳۲ مورد محاکمه در دادگاه‌ها با تعداد زیادی حکم مجازات، از جمله ۸۲ مورد زندان فعالان حقوق بشر، کارکنان اعضای اتحادیه‌ها، دانشجویان و معلمان همراه بود. مقامات ایرانی این ارقام را قبول ندارند.
- ۳ - برای مثال، روز ۲ اوت ۲۰۰۷، گزارشگر ویژه درباره ادعاهای مربوط به بازداشت فردی در میوان در يك سلول يك مترمربعی، كتك زدن و گرسنگی دادن او ابراز نگرانی کرد. او را مکرراً از دست‌هایش در اتاقی پر از فاضلاب و مدفوع آویزان می‌کردند و مجبور بود برای اجتناب از غرق شدن سرش را بالا نگهدارد. گزارشگر ویژه ۳ آوریل ۲۰۰۷ ابلاغیه دیگری درباره ۵ مرد صادر کرد که تحت شکنجه ظاهراً به ارتکاب خلاف‌هایی در مارس ۲۰۰۶ اعتراف کرده بودند. در گزارش‌ها ادعا شده بود این زندانیان را با آهن مذاب داغ کرده، استخوان‌های دست‌ها و پاهایشان را شکسته و با فرو بردن مته برقی به اعضایشان شکنجه کرده بودند. در موردی دیگر که اول ژوئن ۲۰۰۷ به وسیله گزارشگر ویژه مطرح شد، ادعا شده یکی از طرفداران حقوق اجتماعی و زبانی برای ایرانیان آذری تبار از منطقه خوی شکنجه شده که در اثر آن چند دنده‌اش شکسته و بالاتنه‌اش به شدت کبود شده است. به ما در این زندانی اطلاع داده شده بود برای گرفتن جسد پسر اعدام شده اش به زندان مراجعه کند اما پس از مراجعه به زندان به وی اطلاع داده شد که زندانی هنوز اعدام نشده اما به او حق ملاقات ندادند.
- ۴ - گزارش شده است در جریان مبارزه سراسری با اوپاش در می ۲۰۰۷، پلیس در حمله به يك مهمانی خصوصی در اصفهان ۸۷ نفر از جمله ۴ زن و حداقل ۸ نفر را، که پلیس آنان را به پوشیدن لباس جنس مخالف متهم کرده، دستگیر کرد. گزارش شد که پلیس بسیاری از آنان را در خیابان تا کمر لخت کرد و كتك زد به گونه ای که پشت یا صورت‌شان خونین شد. ۲۴ نفر از دستگیرشدگان به اتهام قوادی و اعمال خلاف عفت و همچنین داشتن و مصرف الكل محاکمه شدند. دادگاهی در اصفهان ژوئن ۲۰۰۷ همه آنان را به خاطر ترکیبی از اتهام‌های گوناگون مجرم شناخت. بیشتر آنان به ۲۰ تا ۸۰ ضربه شلاق و ۱۰ تا ۵۰ میلیون ریال جریمه نقدی محکوم شدند. احکام، تحت استیناف و بررسی مجدد است و هنوز به اجرا در نیامده است.
- ۵ - عفو بین‌الملل گزارش داد چهار مرد، از جمله يك آواره افغان ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۸ در برازجان در ملاعام اعدام شدند.
- ۶ - قانون بین‌المللی حقوق بشر برای موارد قصاص تمایز قائل نمی‌شود زیرا این دولت است که محکومان را به دست مرگ می‌سپارد.
- ۷ - نمایندگی دائمی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل در ژنو به این امر اعتراض داشت که مولودزاده به علت جرائم ارتكابی پیش از ۱۸ سالگی محکوم شده است. اما بررسی اسناد دادگاه به وسیله کمیساری عالی سازمان ملل برای حقوق بشر نشان داد جرائم وی شامل جرائم پیش از ۱۸ سالگی نیز بوده است.
- ۸ - گزارشگر ویژه مربوط به اعدام‌های فراقانونی، شتابزده یا خودسرانه فقط در سال ۲۰۰۷، بیست نام به جمهوری اسلامی ایران فرستاد. گروه کاری مربوط به بازداشت خودسرانه ۱۷ نام؛ گزارشگر ویژه مربوط به ترویج و حمایت از حق آزادی عقیده و بیان ۲۰ نام؛ گزارشگر ویژه استقلال قضات و وكلا ۷ نام؛ گزارشگر ویژه شکنجه و سایر مجازات‌ها یا رفتار بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز ۲۴ نام؛ گزارشگر ویژه حقوق بشر مهاجران يك نام؛ نماینده ویژه دبیرکل در زمینه موقعیت مدافعان حقوق بشر ۲۳ نام؛ گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان، دلایل و عواقب آن ۱۰ نام؛ گزارشگر ویژه آزادی دین یا عقیده ۲ نام و گزارشگر ویژه حق آموزش و پرورش يك نام فرستاده‌اند.